

Possibility of Prosecuting HIV Transmission by Muharaba & Ifsad-Fel_Arz in Iranian Criminal Law; with Comparative View on USA Judicial Judgments

Seyed Mohammad Hosseini¹, Seyed Reza Ehsanpour²

Abstract

Prosecuting HIV Transmission by Muharaba & Ifsad-Fel-Arz depends on spreading AIDS in a vast area without particular attention to specific victims. Because using any kinds of weapons is a required condition for committing Muharaba based on Article 279 Iranian Islamic Penal Code. Therefore, in order to prosecute HIV mass transmission by Muharaba, we should either argue that there is no necessity for using weapons to prosecute Muharaba, and only disturbing social safety is sufficient condition. Thus, what mentions in Article 279 is only an instance for this crime or we suppose HIV as a kind of weapon. In this respect, plenty of United States courts have accepted HIV as a dangerous weapon. If by any reason one may believe in impossibility of prosecuting HIV transmission by Muharaba, prosecution of HIV transmission by Ifsad-Fel_Arz (Article 286) is reasonable because spreading HIV virus in society is supposed as "crimes against physical integrity of people" and "spreading poisonous and dangerous substances" as well as "disturbing community order and safety" which results in "inflicting huge damage to individuals physical integrity".

Keywords

AIDS, Muharaba, Ifsad-Fel-Arz, Criminal Law, USA

Please cite this article as: Hosseini SM, Ehsanpour SR. Possibility of Prosecuting HIV Transmission by Muharaba & Ifsad-Fel-Arz in Iranian Criminal Law; with Comparative View on USA Judicial Judgments. Iran J Med Law 2016; 10(37): 103-121.

1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: Semi.Hosseini@ut.ac.ir

2. PhD, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Original Article

Received: 25 July 2015

Accepted: 11 April 2016

بررسی امکان تطبیق عنوان محاربه یا افساد فی الارض بر انتقال آگاهانه

ویروس عامل ایدز، در حقوق کیفری ایران؛ با نظر به

آرای صادره در ایالات متحده آمریکا

سیدمحمد حسینی^۱، سیدرضا احسانپور^۲

چکیده

صدق عناوین مجرمانه محاربه و افساد فی الارض بر رفتارهای موجب انتقال ایدز، مقید به ارتکاب آن در سطحی وسیع و فارغ از بزه‌دیده‌ای خاص می‌باشد. از آنجا که برای تحقق محاربه شرط به دست گرفتن سلاح در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی صراحتاً ذکر شده است، فلذا جهت تطبیق انتقال گسترده ایدز بر این عنوان کیفری باید بگوییم که یا ضرورتی به قید به دست گرفتن اسلحه وجود نداشته و صرف برهم‌زدن امنیت جامعه جهت تحقق این جرم کافی است. از این رو ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان مصداقی از عنوان «محاربه» است یا آنکه ویروس عامل ایدز را نیز به عنوان نوعی از سلاح به شمار آوریم. در این رابطه، بسیاری از محاکم ایالات متحده آمریکا در آرای بی‌شماری ویروس عامل ایدز را سلاح تلقی نموده‌اند. چنانچه به هر دلیلی دو گزاره فوق را نپذیریم، امکان استناد به عنوان افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) در خصوص مورد وجود دارد، چه آنکه انتشار وسیع و گسترده ویروس عامل ایدز در جامعه، مصداق «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد» و نیز «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» و «اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی» محسوب می‌شود و «ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد» را به همراه دارد.

واژگان کلیدی

ایدز، محاربه، افساد فی الارض، حقوق کیفری، آمریکا

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Semi.Hosseini@ut.ac.ir

۲. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۹

مقدمه

پیش از ورود به موضوع، تبیین چند مسأله در خصوص عنوان این مقاله ضروری است. نخست آنکه صدق عناوین مجرمانه فوق بر رفتارهای موجب انتقال ایدز، مقید به ارتکاب آن در سطحی وسیع و فارغ از بزه‌دیده‌ای خاص می‌باشد و شامل مواردی که فرد، در مقیاسی شخصی و با انگیزه عداوت فردی با بزه‌دیده خاص مرتکب انتقال این بیماری می‌شود، نیست. اساساً در تعریف محاربه، قصد برهم‌زدن امنیت عمومی، ایجاد ناامنی در محیط و برخورداری عمل ارتكابی از جنبه عمومی شرط است و در افساد فی‌الارض نیز گسترده‌بودن رفتار یا نتیجه حاصل از آن رفتار ضروری است.

صراحت ماده ۲۷۹ قانون مجازات بر این که «هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی‌شود»، تردیدی را در این خصوص باقی نمی‌گذارد. در رابطه با افساد فی‌الارض نیز حتی اگر صراحت قانونگذار با تعبیری نظیر «به طور گسترده»، «نظم عمومی کشور و اموال عمومی و خصوصی» و یا «در حدود وسیع» در ماده ۲۸۶ وجود نمی‌داشت، عبارت «فی‌الارض» در این عنوان مجرمانه به خوبی جهت نشان‌دادن سطح آثار زیان بار ناشی از ارتکاب آن کافی بود.

بحث از تطبیق عناوین مجرمانه مذکور بر رفتارهای موجب انتقال ایدز مربوط به شرایطی است که در آن مرتکب به قصد جان و مال مردم و یا با هدف ترساندن و ایجاد فضای رعب در جامعه و ایجاد ناامنی در کشور مبادرت به رفتارهایی نظیر واردات خون‌های آلوده به ویروس ایدز، واردات واکسن‌های آلوده به این بیماری، تولید و توزیع سرنگ‌ها و سوزن‌های آلوده و مانند آن و درنهایت آلوده‌نمودن مصرف‌کنندگان می‌نماید و یا آنکه رفتار آن‌ها صرف نظر از وجود انگیزه‌های مذکور در عمل موجب چنین پیامدهایی خواهد شد. انگیزه مبادرت به این رفتارها نیز می‌تواند از حس انتقام جویی از جامعه و مبتلاکردن سایرین به دردی مشابه درد خود تا سودجویی‌های مادی شخصی و حتی عداوت با نظام اسلامی متفاوت باشد، لکن در تمامی موارد گسترده‌گی رفتار ارتكابی مفروض است.

آنچه که ذهن نگارندگان را بدین موضوع متوجه کرده، علاوه بر برخی مقالات داخلی منتشرشده در خصوص موضوع مورد بحث (۱)، مقالاتی است که در نشریه‌های خارجی انتشار یافته است. بر اساس یکی از این مقالات، آزمایشگاه فورت دتریک (Fort Detrick) که مرکز اصلی دفاع

بیولوژیک ارتش آمریکا به شمار می‌آید، خاستگاه ویروس ایدز است. هدف از تولید این ویروس کشنده نیز تعدیل جمعیت سیاه‌پوستان، هم‌جنس‌گرایان و کشتار جمعی در مناطق مد نظر آمریکا است (۲). صرف نظر از صحت یا سقم این موضوع که البته محل اظهار نظرات گسترده‌ای نیز قرار گرفته است، فرضیه ما تقویت می‌شود و بحث در خصوص ابعاد کیفری اشاعه گسترده این بیماری انسان ساخته و یا مولود طبیعت اهمیت بیشتری می‌یابد.

نکته دوم آنکه تا پیش از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، دو عنوان کیفری محاربه و افساد فی الارض، عنوانی واحد و مدغم در یکدیگر بودند. دیدگاه مزبور برگرفته از نظر مشهور فقهای امامیه (که برخلاف برخی از فقها و در رأس ایشان شیخ طوسی که دست کم در چهار مورد از عنوان افساد فی الارض به طور مستقل از محاربه استفاده کرده است) (۳)، می‌باشد که قائل به وحدت این عناوین منصوص بوده و هم‌اکنون نیز دیدگاه مشهور فقها همین است. قانونگذار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۲ با توجه به ملاحظات آن می‌تواند ضرورت توسعه مفهوم افساد فی الارض جهت پاسخگویی به برخی مشکلات کلان جامعه و خارج نمودن آن از قید تجریدالسلح که خود شرط تحقق محاربه باشد، قائل به تفکیک میان این دو شده و از نظر مشهور تبعیت نکرده است.

پیش از تصویب این قانون، در چندین مورد قانونگذار از عنوان مفسد فی الارض به صورت مستقل از محارب استفاده نموده بود که با توجه به یگانگی این دو عنوان کیفری در قانون مجازات سابق مباحثی را از منظر حقوقی برمی‌انگیخت. به عنوان مثال، در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ آمده است: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، به جزای نقدی و معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آن‌ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.» در حال حاضر، با تفکیک میان این دو عنوان مجرمانه اشکالات حقوقی مذکور تا حدود زیادی مرتفع شده است.

در قانون مجازات اسلامی جدید، مهم‌ترین وجه فارق میان محاربه و افساد فی الارض، ضرورت تجرید سلاح در مورد نخست برخلاف مورد اخیر است. به دیگر سخن، آن دسته از مصادیق محاربه و افساد فی الارض که در قانون مجازات قبلی داخل در تعریف این عنوان واحد بود،

اکنون چنانچه همراه با کشیدن سلاح باشد، محاربه و چنانچه بدون کشیدن سلاح ارتکاب یابد، داخل در تعریف افساد فی الارض قرار می‌گیرند. وجه فارق دیگر وجود ضابطه ذهنی در تحقق عنصر روانی جرم محاربه و ضابطه عینی در افساد فی الارض است، یعنی محارب کسی است که قصد ارباب مردم و ایجاد ناامنی در محیط را دارد، اما رفتار مرتکب افساد فی الارض، صرف نظر از وجود چنین قصدی در عمل موجب ناامنی و یا ورود خسارات عمده می‌گردد. وجه فارق سوم آنکه در محاربه کشیدن اسلحه، حتی بر روی فردی خاص، مشروط بر این‌که دارای جنبه عمومی باشد، می‌تواند مصداق محاربه باشد، لکن افساد فی الارض نیازمند تعداد بیشتری از بزه‌دیدگان است.

اکنون با توجه به مطالب مذکور، قابلیت و یا عدم قابلیت صدق دو عنوان کیفری محاربه و افساد فی الارض را در تعقیب رفتارهایی که موجب انتقال و یا خطر انتقال گسترده ویروس عامل این بیماری می‌گردند به تفکیک بررسی می‌نماییم.

محاربه

مستند قانونی محاربه، ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی به این شرح می‌باشد: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.» در رابطه با استناد به ماده مذکور جهت مجازات برخی از رفتارها وجود سه شرط طبق قانون ضروری است. نخست آنکه مرتکب دست به سلاح ببرد؛ دوم آنکه قصد وی جان و مال مردم و یا ارباب آنها باشد؛ سوم آنکه رفتار مزبور واجد جنبه عمومی به شمار آید.

در خصوص موضوع مورد بحث (مانند واردات خون و یا واکسن آلوده به ایدز به کشور جهت استفاده در درمان بیماران) نیز باید شروط فوق احراز گردد، یعنی عمل ارتكابی دارای جنبه عمومی باشد و مرتکب نیز قصد جان و مال مردم را داشته یا به دنبال ایجاد فضای ترس و ارباب در جامعه باشد که این هر دو شرط در خصوص مورد مفروض تلقی می‌گردد، لکن مسأله بسیار مهم، قید به دست‌گرفتن اسلحه جهت تحقق محاربه است؛ قیدی که فقدان آن موجب عدم تحقق این عنوان کیفری است. در رابطه با این مسأله شاید بتوان استدلال کرد که چنانچه ویروس عامل ایدز از طریق سلاح آلوده به اچ‌آی‌وی منتقل شده و یا به عبارت دیگر سلاح به

کار گرفته شده توسط مرتکب، آلوده به این ویروس باشد، محاربه صدق خواهد کرد. به نظر نگارندگان این سخن صحیح نیست، چه آنکه چنانچه بخواهیم انتقال ایدز را مشروط به آلوده بودن سلاح مورد استفاده توسط مرتکب محاربه بدانیم، جهت تحقق محاربه صرف به دست گرفتن سلاح مذکور کافی بوده و آلودگی یا عدم آلودگی سلاح به ویروس اچ‌آی‌وی فاقد اثر به شمار می‌آید. در خصوص موضوع تجریدالسلاح، نگارندگان دو گزاره را طرح می‌نمایند که قبول هر یک از این دو می‌تواند کارگشا باشد. نخست آنکه جهت تحقق عنوان محاربه ضرورتی به قید به دست گرفتن اسلحه وجود نداشته و صرف برهم‌زدن امنیت جامعه و ارباب شهروندان جهت تحقق این جرم کافی است؛ گزاره دوم آنکه با فرض قبول ضرورت تجریدالسلاح در تحقق محاربه، ویروس عامل ایدز نیز می‌تواند به عنوان نوعی از سلاح به شمار آید. در ادامه، پیرامون این دو گزاره بحث می‌نماییم.

۱- عدم ضرورت کشیدن سلاح

اگرچه قانونگذار در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی به صراحت بر به دست گرفتن سلاح جهت تحقق عنوان محاربه تأکید نموده و حتی وجه فارق اصلی این عنوان و عنوان افساد فی‌الارض همین نکته می‌باشد، معهذا به زعم برخی اشاره به قید کشیدن سلاح در این ماده از بابت غلبه است (۴). به دیگر سخن از آنجا که در غالب موارد، ارتکاب محاربه با به دست گرفتن سلاح رخ می‌دهد (۵). از این رو ذکر این لفظ اشاره به مصداق اشهر محاربه دارد.

با عنایت به مطالب مطرح شده در تحقیقات فقهی به نظر می‌رسد آنچه که عنصر اصلی جرم «محاربه» به شمار می‌آید، «دست‌بردن به سلاح» نیست (۶)، بلکه شرط اساسی تحقق «محاربه»، اقدام به اعمالی است که به قصد برهم‌زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی صورت پذیرفته و یا آنکه در عمل چنین نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشند (۷). طبق این نظر، ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان مصداقی از عنوان «محاربه» بوده و به عبارتی، مصداق بارز برهم‌زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی به شمار می‌آید. بر این مبنا، شاید بتوان نظر برخی از فقها (۸)، مبنی بر توسعه دایره مفهوم سلاح را توجیه نمود. با نگاهی به برخی دیگر از مواد قوانین کیفری از جمله قانون تعزیرات و همچنین سایر قوانین تصویب شده پس از انقلاب اسلامی، می‌توان قوت این نظر را به وضوح دریافت.

به عنوان مثال، طبق ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات، تشکیل هر نوع دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی با هر مرامی، با هدف برهم‌زدن امنیت کشور، «محرابه» می‌باشد. طبق ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات اگر کسی نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم و یا عدم اجرای وظایف نظامی کند و چنین اعمالی را به قصد براندازی حکومت انجام دهد، محارب محسوب می‌شود. همچنین طبق ماده ۶۸۷ قانون تعزیرات تخریب یا ایجاد حریق یا از کارانداختن یا هر نوع خراب‌کاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عموم از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست، تلگراف و سایر موارد مذکور در ماده، اگر به قصد اختلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را به دنبال خواهد داشت.

همچنین طبق ماده ۶ قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳، اعمالی از قبیل «احتکار، گران‌فروشی، فروش مصنوعات یا فرآورده‌ها گران‌تر از نرخ مصوب، دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زاید بر میزان مقرر، استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه، کیفیت کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد، معامله صوری به نرخ مقرر و به کاربردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود، عرضه نان معمولی با پخت نامرغوب، تحویل کالا کم‌تر از وزن یا مقدار به مشتری، انتقال غیر مجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر یا منطقه دیگر و یا فروش آن به اشخاص دیگر، خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا خدمات بر خلاف مقررات صنفی، امتناع فرد صنفی از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع و...»، اگر به عنوان مقابله با حکومت اسلامی صورت بگیرد، مرتکبین به مجازات محارب محکوم خواهند شد.

طبق قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اگر هر شخص نظامی اقدام به ارتکاب اعمالی همچون «تشکیل یا اداره جمعیت، تلاش جهت جداکردن قلمرو حاکمیت ایران یا لطمه واردکردن به تمامیت ارضی و استقلال کشور، اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی، تسلیم اطلاعات و اسرار سیاسی، نظامی و امنیتی به دشمن، انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن، خودداری از انجام وظایف نظامی، عدم توقف جنگ پس از دریافت دستور توقف، ترک بدون مجوز محل نگهبانی، خواب در هنگام نگهبانی، خودزنی به قصد فرار از انجام وظیفه، فرار

در زمان جنگ، فرار با ادوات نظامی، فرار با توطئه، ارائه گزارش خلاف واقع، فروش و حیف و میل اموال نظامی، سرقت از اموال یا دفاتر یا اوراق نیروهای مسلح، تخریب و یا تحریق اموال نیروهای مسلح» نماید و مقصود وی از ارتکاب چنین اعمالی، «براندازی نظام یا حکومت، برهم زدن امنیت کشور، شکست نیروهای خودی در برابر دشمن» باشد و یا آنکه کار او عملاً موجب «شکست جبهه اسلام، تسلط دشمن بر اراضی، اختلال در نظام، اختلال در امنیت داخلی یا خارجی، تضعیف نیروهای نظامی، وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی یا وارد شدن ضربه مؤثر به نیروهای مسلح و یا لطمه جبران ناپذیر به آن گردد»، چنین شخصی به مجازات محارب محکوم خواهد شد. چنانچه مشاهده می شود در هیچ یک از موارد مذکور سخنی از به دست گرفتن سلاح در تحقق جرم «محاربه» مطرح نبوده و توجه اصلی بر ارتکاب اعمالی است که به قصد برهم زدن امنیت و مقابله با حکومت اسلامی انجام پذیرفته و یا آنکه در عمل موجبات تضعیف حکومت را به دنبال داشته باشد.

ممکن است به استدلال حقوقی چنین اشکال شود که در اغلب موارد، در خصوص مصادیق مذکور در قوانین فوق تنها به مجازات محاربه ارجاع شده که این امری متفاوت از پذیرفتن رفتارها به عنوان مصداقی از محاربه است. در پاسخ می توان گفت که اولاً برخی از مواد قانونی نظیر ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات به صراحت از محارب محسوب شدن بزه کاران مذکور در این ماده و نه صرفاً مجازات نمودن ایشان طبق مجازات محاربه سخن به میان آورده اند؛ ثانیاً در خصوص آن دسته از مواد قانونی که در آن اشاره شده که مرتکب به مجازات محارب می رسد، این سؤال قابل طرح است که الحاق رفتارهای مجرمانه به عنوان محاربه، الحاق موضوعی است یا حکمی؟ چنانچه الحاق را موضوعی بدانیم بدان معنا است که اعمالی نظیر خرابکاری در وسایل عمومی، احتکار، گران فروشی و... همچون کشیدن اسلحه موضوع و مصداقی از محاربه هستند که در فرض قبول این سخن پاسخ به اشکال داده شده است. چنانچه الحاق مزبور را حکمی بدانیم بدان معنا است که به عنوان مثال احتکار و گران فروشی نه مصداقی از محاربه، بلکه تابعی از آن از حیث مجازات است.

به نظر می رسد ایراد، در ارتباط با همین نظر اخیر می باشد. جهت رفع این اشکال این نکته مطرح می شود که قبول نظریه الحاق حکمی مغایر با قاعده مشهور و متعارف «التعزیر دون الحد» قرار می گیرد (۹). توضیح آنکه طبق این قاعده مجازات های تعزیری باید کم تر از مجازات حدی

باشد. بنابراین مجازات نمودن رفتارهای مستوجب تعزیر (مانند گران‌فروشی و احتکار) با مجازاتی حدّی (محرابه) مغایر با قاعده پیش‌گفته است. از این رو یا باید الحاق مزبور در نصوص مختلف جزایی را اشتباه بدانیم که این امر با توجه به پیش‌فرض حکیم‌بودن قانونگذار از یکسو و تکرر استفاده از مجازات محارب برای مصادیق مذکور از سویی دیگر و نیز تأیید مقررات مزبور در شورای نگهبان از منظر فقهی قابل پذیرش نیست یا آنکه قائل به الحاق موضوعی در خصوص مورد بوده و مصادیق مذکور را در کنار کشیدن اسلحه قرار دهیم که نتیجه آن عدم ضرورت کشیدن سلاح برای تحقق عنوان محاربه خواهد بود.

۲- ویروس اچ‌آی‌وی به عنوان سلاح

به نظر برخی از حقوق‌دانان کیفری منظور از سلاح آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن به کار رود و در معنای آن نیز باید به عرف مراجعه نمود. عرف نیز سلاح را اعم از سرد و گرم می‌داند (۱۰). تعریف سلاح به ابزاری که هدف اولیه از ساخت آن عرفاً استفاده به عنوان سلاح است (۱۱)، تعریف بالطبع است. در مقابل تعریف سلاح بالقصد نیز امکان‌پذیر می‌باشد و مراد از آن هر وسیله‌ای است که عرفاً به عنوان سلاح از آن استفاده می‌شود، اختصاص داده نشده است، مثلاً چاقو ذاتاً سلاح نیست، اما می‌تواند به عنوان سلاح به کار گرفته شود (۱۲). در این معنا اگر تقریباً هر فردی بتواند با وسیله‌ای مرتکب قتل شود، آن وسیله اسلحه محسوب می‌شود (۱۳). حسب مفهوم اخیر از سلاح، در ایالات متحده برخی از محاکم، ویروس اچ‌آی‌وی را به عنوان سلاح به شمار آورده‌اند و بر این مبنا به تشدید کیفر مرتکبان پرداخته‌اند. نظر به گستردگی آرای مربوط، در ادامه به چند نمونه از آرای صادره اشاره می‌نماییم.

در ایالت کلرادو، در پرونده *Shawn People v.* دادگاه تجدیدنظر مقرر داشت که چون اچ‌آی‌وی می‌تواند موجب صدمات شدید بدنی شود، لذا ابتلای مرتکب به این ویروس می‌تواند طبق قوانین کیفری این ایالت به عنوان سلاح کشنده از مصادیق جرم تهدید دیگران به شمار آید (۱۴)، چه آنکه تعریف سلاح کشنده نیازمند این وصف نیست که به کارگیری آن احتمالاً موجب ایراد صدمات شدید بدنی می‌شود، بلکه صرف قابلیت ایراد چنین صدمه‌ای کافی می‌باشد. همچنین در این ایالت، انداختن آب دهان توسط مرتکب مبتلا به ایدز بر روی متخصص دستبندهای الکترونیکی، به عنوان استفاده از سلاح تلقی گردید (۱۵).

در ایالت فلوریدا، دست کم در یک پرونده، ابتلای به ایدز به عنوان سلاح کشنده جهت تعقیب متهم مد نظر قرار گرفت. در این پرونده، مرتکب مبتلا به ایدز به دلیل گازگرفتن مأمور پلیس و ایراد جراحت بر بدن وی به ۱۵ سال حبس محکوم گردید. قاضی، دندان و مایعات بدنی مرتکب (از جمله بزاق دهان) را به عنوان سلاح کشنده ملحوظ قرارداد (۱۶). در ایالت جرجیا، اقدام مرتکب مبتلا به ایدز در خصوص گازگرفتن بزه‌دیده، به عنوان استفاده از سلاح کشنده محسوب شد (۱۷).

در ایالت ماساچوست، مردی ۳۸ ساله و مبتلا به ایدز به دلیل این‌که به دو مأمور پلیس اعلام نمود که مبتلا به ایدز می‌باشد و بلافاصله بر صورت آن‌ها آب دهان پرتاب نمود، تحت تعقیب قرار گرفت. دادگاه، پرتاب آب دهان را به عنوان استفاده مرتکب از سلاح کشنده تلقی نمود (۱۸).

در این ایالت، مردی ۱۹ ساله و مبتلا به ایدز به دلیل قراردادن چندین شریک جنسی در معرض ایدز متهم به تهاجم و ایراد جرح گردید. قاضی دادگاه، ویروس عامل ایدز در ترشحات بدنی متهم را به عنوان سلاح خطرناک توصیف نمود (۱۹).

همچنین در پرونده‌ای دیگر، مردی ۳۰ ساله مبتلا به ایدز با استفاده از سرنگ پر از خون که ادعا می‌شد مبتلا به ایدز می‌باشد، دختری ۱۷ ساله را تهدید کرده و می‌رباید. دادگاه ارتکاب رفتار مذکور را استفاده از سلاح خطرناک توصیف نمود (۲۰).

در ایالت نیوهمپشایر در پرونده *CJ State v.* متهم پیش از رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده با شریک خود، وی را از ابتلای خویش به بیماری ایدز آگاه نساخت. دادگاه در خصوص این پرونده اظهار داشت که ترشحات جنسی و اندام‌های تناسلی فرد مبتلا به ایدز، به عنوان سلاحی کشنده در یک رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده محسوب می‌شود به نحوی که قابلیت لازم جهت واردآوردن صدمات شدید بدنی را دارا می‌باشد (۲۱).

در ایالت نیوجرسی، دادگاه عالی این ایالت سوزن آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی را به عنوان سلاح کشنده تلقی نمود (۲۲). سلاح کشنده طبق تعریف قوانین کیفری این ایالت به هر ابزاری گفته می‌شود که با توجه به شیوه استفاده از آن، قابلیت واردآوردن صدمات شدید بدنی و یا مرگ را داشته باشد (۲۲). در ایالت نیویورک، در یکی از پرونده‌های مطرح‌شده در سال ۲۰۰۷، مردی مبتلا به ایدز به دلیل گازگرفتن دست مأمور پلیس به اتهام تهاجم شدید گناهکار شناخته

و به ده سال حبس محکوم شد. در این پرونده، دادگاه آب دهان مرتکب را به عنوان سلاح کشنده به شمار آورد.

همچنین در پرونده‌ای دیگر دادگاه سوزن آلوده به ایدز را که توسط مرتکب جهت تهدید به کار گرفته شده بود، به عنوان ابزاری خطرناک تلقی نمود (۲۳).

در ایالت کارولینای شمالی، مردی ۴۵ ساله و مبتلا به ایدز به دلیل بریدن انگشت مأمور پلیس و گازگرفتن گوش وی در هنگام دستگیری، متهم گردید. قاضی در مقام تعیین مجازات مرتکب را به استفاده از سلاح کشنده محکوم نمود (۲۴).

همچنین در پرونده‌ای دیگر مردی مبتلا به ایدز به دلیل برقراری رابطه جنسی با فردی نابالغ به تهاجم جنسی با استفاده از سلاح کشنده محکوم گردید (۲۵).

در پرونده‌ای دیگر دادگاه در خصوص مرتکب مبتلا به ایدز که به رابطه جنسی با بزه‌دیده پرداخته بود، از جمله اتهام تهاجم با استفاده از سلاح کشنده را مطرح نمود که با تأیید دادگاه تجدید نظر نیز مواجه گردید (۲۶).

در ایالت اوهایو، دادگاه‌ها در چندین پرونده مقرر داشتند که آب دهان مخلوط‌شده با خون بزهارک مبتلا به ایدز به عنوان سلاح کشنده محسوب می‌شود. به عنوان مثال، در پرونده دولت علیه پرایس، مرتکب که اقدام به گازگرفتن بزه‌دیده و انداختن آب دهان بر وی نموده بود (۲۷)، به شش سال حبس محکوم شد. دادگاه در این پرونده آب دهان و بزاق متهم را به عنوان سلاح کشنده در نظر گرفت. در مرحله تجدیدنظر، پژوهش خواه در ردّ سلاح بودن آب دهان چنین استدلال کرد که طبق قانون این ایالت سلاح کشنده به هر ابزار، وسیله یا چیزی گفته می‌شود که قابلیت ایجاد مرگ را داشته یا بدین منظور طراحی شده یا به طور ویژه جهت استفاده به عنوان سلاح طراحی شده و یا به عنوان سلاح، نگهداری، حمل یا استفاده شود (۲۸).

در طول جریان رسیدگی به پرونده، پزشکان معالج متهم شهادت دادند که اگرچه خطر انتقال ویروس اچ‌آی‌وی از طریق بزاق دهان بعید است، اما از آنجا که مرتکب مبتلا به هموفیلی است، آب دهان وی اغلب آغشته به خون بوده و این امر باعث افزایش احتمال انتقال بیماری از این طریق می‌گردد. طبق این شهادت، دادگاه تجدیدنظر ایالت اوهایو مقرر داشت که چون متهم مبتلا به ایدز و هموفیلی است، بزاق دهان وی سلاح کشنده محسوب می‌شود. دادگاه استدلال نمود که مرتکب به درستی محکوم شده است، زیرا وی از بیماری خود آگاهی داشته و می‌دانسته

که بزاق دهان، سلاح کشنده بوده است. در پرونده مشابه دیگر، مرتکب به چشم مأمور پلیس آب دهان پرتاب نمود. دادگاه در مقام تعیین مجازات، آب دهان آغشته به خون متهم مبتلا به ایدز را به عنوان سلاح کشنده به شمار آورد (۲۹).

در ایالت نگزاس در پرونده *Nejara v. State* دادگاه، آلت تناسلی و مایعات بدنی مرتکب را مجموعاً به عنوان سلاح کشنده در اتهام تهاجم جنسی شدید محسوب نمود (۳۰). همچنین در پرونده مشابه *State Hoffman v.* نیز آلت تناسلی و ترشحات جنسی مرتکب توسط دادگاه تجدید نظر به عنوان سلاح کشنده در نظر گرفته شد (۳۱).

در پرونده *Degrade v. State* نیز دادگاه محکومیت مرتکب مبتلا به ایدز را به دلیل گازگرفتن مأمور پلیس تأیید نمود و دهان مجرم را به عنوان سلاح کشنده در نظر گرفت (۳۲).

در پرونده *Mathonican v. State* دادگاه تجدید نظر مقرر داشت که ترشحات جنسی فرد مبتلا به ایدز سلاح کشنده به شمار می‌آید مشروط بر آنکه وی مبادرت به رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده نموده باشد. دادگاه در تعلیل رأی صادره اعلام کرد که سلاح کشنده هر آن چیزی است که بتوان از آن جهت کشتن دیگری یا وارد آوردن صدمات بدنی به وی استفاده نمود. از آنجا که ترشحات جنسی فرد مبتلا به ایدز قابلیت چنین نتایجی را در رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده دارد، لذا می‌تواند داخل در این مفهوم قرار گیرد. در نتیجه، مرتکب به ۹۷ سال حبس محکوم گردید (۳۳).

در پرونده‌ای دیگر، مردی ۳۶ ساله و مبتلا به ایدز به دلیل انتقال ایدز به چهار زن تحت عنوان اتهام تهاجم شدید با استفاده از سلاح کشنده به ۱۲ سال حبس محکوم شد (۳۴).

همچنین در پرونده‌ای دیگر در خصوص مردی مبتلا به ایدز، دادستان ویروس اچ‌آی‌وی را به عنوان سلاح کشنده قلمداد نمود (۳۵).

مشابه همین نظر در پرونده دیگری در خصوص رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده با طفل ۱۶ ساله ارائه گردید (۳۶). در پرونده‌ای دیگر که مجرم اقدام به گازگرفتن دست مأمور زندان نموده بود، هیأت منصفه بزاق دهان را به عنوان سلاح کشنده در نظر گرفت (۳۷).

در پرونده‌ای دیگر مردی مبتلا به ایدز به دلیل برقراری رابطه جنسی غیر حفاظت‌شده با چهار زن محکوم گردید. در این پرونده مایعات جنسی مرتکب به عنوان سلاح کشنده منظور شد (۳۸).

در پرونده مشابه دیگر که متهم وضعیت ابتلای خود را به اطلاع شریک جنسی نرسانده بود، آلت تناسلی و مایعات جنسی وی به عنوان سلاح کشنده تلقی گردید (۳۹).

چنانکه از مشاهده انبوه پرونده‌های فوق به دست می‌آید، محاکم ایالات مختلف آمریکا، جز در چند مورد، ویروس اچ‌آی‌وی و یا اعضا یا مایعات حاوی این ویروس را به عنوان سلاح کشنده در نظر گرفته و بر این اساس به صدور حکم پرداخته‌اند، البته در مقابل پرونده‌های مذکور، برخی از محاکم نیز قائل به نظر متفاوتی بوده‌اند. به عنوان مثال، در ایالت نیویورک، دادگاه عالی در پرونده *Plunkett People v.* برای نخستین بار از این دیدگاه که ویروس ایدز را به عنوان سلاح تلقی نماید، فاصله گرفت. مرتکب که مردی مبتلا به ایدز بود به دلیل گازگرفتن دست مأمور پلیس که قصد بازداشت وی را داشت، محکوم به تهاجم شدید گردید. محکومیت مذکور مستلزم استفاده از سلاح توسط مرتکب است. به زعم دادگاه بدوی از آنجا که آب دهان مرتکب، آلوده به ویروس عامل ایدز است، آن را واجد صلاحیت برای تحقق مرگ و یا صدمات شدید بدنی بزه‌دیده دانست. از این رو آن را ابزاری خطرناک به شمار آورد.

این حکم در دادگاه تجدید نظر نقض گردید. مطابق با دیدگاه دادگاه تجدیدنظر، اعضای بدن افراد نمی‌تواند «ابزار» تلقی شود. از این رو نمی‌توان توصیف اندام آلوده به ایدز به «ابزار خطرناک» را صحیح دانست (۴۰).

همچنین در ایالت آلاباما در پرونده *Brock v. State*، متهم مبتلا به ایدز دست مأمور پلیس را گاز گرفت. هیأت منصفه مرتکب را به تهاجم شدید محکوم نمود. ارتکاب تهاجم شدید مستلزم استفاده از سلاح توسط متهم می‌باشد. دادستان در کیفرخواست خود و در مقام توجیه این اتهام استدلال کرد که چون مرتکب مبتلا به ایدز بوده است و از این رو دهان و دندان‌های وی صلاحیت بالایی در جهت ایراد آسیب بدنی به دیگری داشته است، لذا باید به عنوان یک ابزار و یا سلاح خطرناک به شمار آید. در مرحله تجدید نظر دادگاه با ردّ این اتهام اعلام کرد که دلیلی وجود ندارد که بتوان دهان مرتکب را به عنوان سلاح تلقی نمود. از این رو اتهام تهاجم شدید را به تهاجم ساده تغییر داد (۴۱).

مع الوصف، چنانچه مشاهده می‌شود تعداد آرای مخالف در این زمینه بسیار کم‌تر از آن دسته پرونده‌هایی است که ویروس عامل ایدز را به عنوان سلاح پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز تبعیت از رویه مرسوم در آمریکا چندان بی‌وجه نباشد. چنانچه پیش‌تر گفته شد،

اگر سلاح را همان گونه که برخی از فقها و حقوقدانان گفته‌اند، هر آن چیزی بدانیم که جهت کشتن دیگری به کار گرفته می‌شود و یا دارای چنین قابلیت‌هایی است، آنگاه گام بلندی به سمت صدق عنوان کیفری محاربه بر رفتارهای موجب انتقال ایدز (با شرایط مذکور در ابتدای مبحث) برداشته‌ایم.

افساد فی الارض

چنانچه به هر دلیلی (عدم پذیرش نظری که کشیدن سلاح را در تحقق محاربه شرط می‌داند و یا عدم پذیرش ویروس عامل ایدز به عنوان سلاح) نتوانیم از عنوان کیفری محاربه در خصوص تعقیب رفتارهای موجب انتقال ایدز با هدف مبتلا ساختن تعداد نامحدود استفاده نماییم، امکان استناد به عنوان افساد فی الارض (با همان شرایط پیش گفته) قابل تأمل و بررسی خواهد بود. چنانچه گذشت، فارق اصلی دو عنوان مذکور، ضرورت کشیدن سلاح در محاربه و فقدان چنین ضرورتی در افساد فی الارض است. از این رو دشواری چندانی در تطبیق این عنوان بر رفتارهای موجب انتقال گسترده ایدز به چشم نمی‌آید. مستند قانونی این عنوان کیفری ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به این شرح است: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق، تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی و یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در سطح وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود.» قانونگذار جمهوری اسلامی در انشای این ماده به دو گروه «رفتارها» و «نتایج» اشاره کرده و در هر دو، از مفهوم و مصادیق افساد که منصوص قرآنی است، برداشت نموده است. افساد در لغت به معنای تباه کردن و از بین بردن است (۴۲) و در مقابل اصلاح قرار می‌گیرد. راغب اصفهانی در مفردات، آن را «خروج الشی عن الاعتدال» دانسته است (۴۳). اعتدال نظم حاکم بر جامعه است چه آنکه عدل قرار گرفتن هر چیز در جای خود است. از این رو خروج از اعتدال به معنای بی‌نظمی در جامعه و به لسان حقوقی اختلال در نظم عمومی است.

فساد در معنای کلی آن در قرآن گاهی هم ردیف با جنگ با خدا و رسول او (مائده: ۳۳)، گاهی به معنای هلاک حرث و نسل (انسان و زراعت) (بقره: ۵)، گاهی به معنای طغیان و سرکشی (قصص: ۸۳)، گاهی به معنای نقض عهد با خدا (بقره: ۲۷)، گاهی به معنای سرقت و بردن مال غیر (یوسف: ۷۳)، گاهی به معنای کم‌فروشی (هود: ۸۵) و گاهی نیز به معنای برهم‌زدن و به هم‌ریختن جهان (انباء: ۲۲) آمده است. شیخ طوسی در تفسیر تبیان، هر گونه کج‌رفتاری را فساد دانسته است (۴۴).

در تفسیر مجمع‌البیان، اعمالی از قبیل تغییر دین و تحریف کتاب و جلوگیری مردم از گرایش به دین افساد دانسته شده (۴۵) و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «تمامی نابسامانی‌هایی که در کار ایجاد می‌گردد و همه افراط‌ها و تفریط‌ها در شکل مسائل فردی و اجتماعی مصداق فساد است» (۴). از منظر فقهایی که برخلاف عادت مألوف از عنوان فقهی افساد فی‌الارض به طور مستقل نیز بهره گرفته‌اند، رفتارهایی نظیر اعتیاد به قتل کافر ذمی، نش قبر و سرقت کفن، زورگیری و ربایش، مصداق این عنوان مجرمانه است (۳). به نظر می‌رسد قانونگذار ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را با نظر به شرایط و اوضاع و احوال کنونی جامعه و مصادیق روزآمد فساد تصویب نموده است. نحوه انشای این ماده به گونه‌ای است که می‌تواند مصادیق متعددی را شامل گردد.

در خصوص انتشار وسیع و گسترده ویروس عامل ایدز در جامعه، به عنوان یکی از مصادیق افساد فی‌الارض، استناد به عبارت «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد» و نیز «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» و همچنین استناد به عبارت «اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی» و نیز «ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد»، بیش از سایر عبارات ماده راه‌گشا است.

بدون شک واردات و توزیع گسترده خون‌های آلوده به ایدز و یا واکسن‌های مبتلا به اچ‌آی‌وی و یا پخش وسیع لوازم آرایشی آلوده (مانند تیغ اصلاح صورت) صرف نظر از عنصر روانی آنچه عمداً و چه با قصد سودجویی، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد به شمار آمده و نیز مصداق پخش مواد میکروبی و خطرناک می‌باشد و نتیجه چنین رفتاری نیز قطعاً ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد و نیز اختلال شدید در نظم عمومی کشور است.

در پایان این بحث شایسته است که اشاره‌ای به نظرات برخی از مراجع عظام تقلید در خصوص این موضوع به عمل آید. نگارندگان با طرح سؤال به شرح ذیل نظرات فقهی حضرات را جویا شده‌اند: «در مواردی که فرد یا گروهی با شیوع وسیع آلات و ادوات آلوده به ایدز در جامعه سعی در مبتلانمودن شهروندان به این بیماری و ملاً فلج‌نمودن نیروی فعال جامعه، تحمیل هزینه‌های اقتصادی و درمانی کلان بر خانواده و حکومت، اخلال در امنیت عمومی و بی‌ثبات‌نمودن جامعه اسلامی را دارند و یا این اعمال را صرفاً جهت منفعت‌طلبی شخصی و سودآوری تجاری انجام می‌دهند، آیا می‌توان ایشان را تحت عنوان محارب مجازات نمود؟» از میان مراجعی که به این سؤال پاسخ دادند، آیت... شاهرودی این رفتار را مصداق عمل حرام دانسته است، اما مصداق محاربه ندانسته‌اند. آیت... موسوی اردبیلی نیز مرقوم فرمودند که «عنوان محاربه بر اعمال مذکور صدق نمی‌کند، مگر آنکه اثر مخربش در حد عموم ظاهر شود که در این صورت بعید نیست محارب شمرده شود.» پاسخ آیت... فاضل لنکرانی به این پرسش این بود که «ظاهراً پیگیری چنین شخصی از باب محارب مشکل است، ولی حکم مفسد فی‌الارض را دارد.» آیت... مکارم شیرازی نیز فرمودند «در صورتی که این کار را به صورت گسترده انجام دهد، مصداق مفسد فی‌الارض است و حکم مفسد بر او جاری می‌شود.»

نتیجه‌گیری

انتقال بیماری ایدز در حالت عادی را نمی‌توان مصداق محاربه و یا افساد فی‌الارض دانست. صدق عناوین مذکور بر رفتارهای ناقل این بیماری مطابق با قانون مجازات اسلامی زمانی است که فرد به قصد برهم‌زدن امنیت کشور و اخلال گسترده در نظم عمومی و نه با انگیزه عداوت شخصی دست به اقداماتی جهت همه‌گیرنمودن ویروس عامل ایدز در سطحی وسیع مانند واردات خون‌های آلوده به داخل کشور نماید. به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی در صدق انتساب عنوان افساد فی‌الارض طبق قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف قانون پیشین مصوب ۱۳۷۰ تردیدی وجود ندارد، اما در خصوص صدق عنوان محاربه در فرض مسأله، ضرورت دارد که بیماری ایدز به عنوان یک سلاح تلقی گردد که با مرور بر قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین کیفری مربوطه این نتیجه به دست می‌آید که قید تشهیر سلاح در تحقق محاربه شرط نیست و اگر هم شرط باشد، آن گونه که در رویه قضایی ایالات متحده آمریکا به کرات مورد حکم قرار گرفته، ویروس اچ‌آی‌وی خود می‌تواند نوعی سلاح به شمار آید، البته نظر مخالف نیز چندان بلاوجه نیست.

References

1. Ehsanpour SR. Possibility of Prosecuting HIV Transmission by Muharaba. Tehran: Medical Law Center; 2010. Vol.3 p.162. [Persian]
2. Cantwell A. More Evidence HIV Was Made At Ft. Detrick. 2007. Available at: <http://www.rense.com/general76/ft.htm>. Accessed May 17, 2015.
3. Hashemi Shahroudi SM. Who is Mohareb?. Figh Ahl Albeit Journal 1997; 11: 158. [Persian]
4. Tabatabai SMH. Almizan. Tehran: Dar Alkotob Alislami; 1984. Vol.5 p.563. [Arabic]
5. Fazel Hindi M. Kash Allesam. Qom: Nashr Islami Press; 1995. Vol.2 p.430. [Arabic]
6. Shahid Aval M. Lomee Dameshqieh. Qom: Dar Alfekr; 1991. Vol.3 p.293. [Arabic]
7. Mousavi Ardabili SAK. Figh Alhodod va Altazirat. Qom: Maaref Press; 1995. p.787. [Arabic]
8. Najafi MH. Javahe Alkalam. 3th ed. Qom: Dar Alkotob Aleslami; 1997. Vol.41 p.556. [Arabic]
9. Mohaqeq Damad SM. Ghavaed Figh. Tehran: Oloum Islami Center; 2004. Vol.3 p.165. [Persian]
10. Mir Mohammad Sadeghi H. Crimes against Public Safety. Tehran: Mizan Press; 2003. p.48. [Persian]
11. Sepahvand A. Crimes against Public Safety. Tehran: Imam Sadiq University Press; 2003. p.25. [Persian]
12. Jafari Langroudi MJ. Mabsout dar Terminology. 7th ed. Tehran: Gang Danesh Press; 1995. Vol.3 p.36. [Persian]
13. LaFave W. Causality and Homicide in Unite States Criminal Law. Tehran: Mizan Press; 2012. p.114. [Persian]
14. People v. Shawn 107 P.3d 1033, 1036 (Colo. App. 2004).
15. Boven J. Denver HIV-positive Man Charged with Using Spit as a Deadly Weapon. Colorado Independent. 2010. Available at: <http://coloradoindependent.com>. Accessed May 17, 2015.

16. HIV Justice Network. Available at: <http://www.hivjustice.net>. Accessed May 17, 2015.
17. Donelan M. Fitchburg man with HIV allegedly showed false medical records. Sentinel & Enterprise; 2010. Available at: <http://www.sentinelandenterprise.com>. Accessed May 17, 2015.
18. AEGIS, AIDS Spitting Case Hits Courts. Available at: <http://www.aegis.org>. Accessed May 17, 2015.
19. Emily J. HIV carrier who endangered women pleads guilty in midst of trial. The Dallas Morning News; 2012. Available at: <http://www.dallasnews.com>. Accessed May 17, 2015.
20. Reporter U. Massachusetts police arrest homeless man accused of threatening teen with HIV syringe. Fox News; 2010. Available at: <http://www.foxnews.com>. Accessed May 17, 2015.
21. State v. CJ, No. 01-S-726, 2002 WL 31059244, at 1 (N.H. Super. Ct. May 23, 2002).
22. State v. Ainis, 721 A.2d 329 (N.J. Super. Ct. Law Div. 1998).
23. People v. Nelson, 627 N.Y.S.2d 412, 413 (N.Y. App. Div. 1995).
24. Newsobserver. June 22, 2009. Available at: <http://www.newsobserver.com>. Accessed May 17, 2015.
25. State v. Murphy, 612 S.E.2d 694, at 1 (N.C. Ct. App. 2005).
26. State v. Monk, 1999 511 S.E.2d 332, 336 (N.C. Ct. App. 1999).
27. State v. Price, 834 N.E. 2d 847, 848 (Ohio Ct. App. 2005).
28. OHIO REV. CODE ANN. § 2923.11(A) (West 2010).
29. State v. Branch, No. L-05-1269, 2006 WL 2045911, at 1 (Ohio Ct. App. July 21, 2006).
30. Najera v. State, 955 S.W.2d 698 (Tex. App. 1997).
31. Hoffman v. State, 2005 WL 1583552 (Tex. App. 2005).
32. Degrade v. State, 196 S.W.4d 59, 77-91 (Tex. App. 2006).
33. Mathonican v. State, 194 S.W.3d at 67-71.

34. Tyler W. Midland man receives 120 years for transmitting HIV virus to four women. Midland Reporter-Telegram. Available at: <http://www.mrt.com>. Accessed May 17, 2015.
35. Brian R. In 1st for Harris Co., HIV deemed deadly weapon. 2010. Available at: <http://www.chron.com/news/houston-texas/article/In-1st-for-Harris-Co-HIV-deemed-deadly-weapon-1714831.php>. Accessed May 17, 2015.
36. Cuoco J. Charges filed after HIV used as deadly weapon. KXXV; 2009. Available at: <http://www.kxxv.com>. Accessed May 17, 2015.
37. Tsao E. Man Claiming HIV Accused of Biting Guard. Dallas Morning News; 2010. Available at: <http://www.pegasusnews.com>. Accessed May 17, 2015.
38. Jennings D. Collin County jury sentences man to 45 years for assault by spreading HIV. 2009. Available at: <http://www.wfaa.com>. Accessed May 17, 2015.
39. Craig K. Molester with HIV gets life without parole – times three. 2010. Available at: <http://www.mysanantonio.com>. Accessed May 17, 2015.
40. People v. Plunkett, 971 N.E.2d 363 (N.Y. 2012).
41. Brock v. State 555 So. 2d at 287-88.
42. Ibn Manzour M. Lisan Alarab. Beirut: Dar Alfekr; 1995. p.1242. [Arabic]
43. Raqeb Isfehane M. Mofradat Alfaz Qoran. Qom: Maaref Press; 1995. p.1001. [Arabic]
44. Tousi M. Altebian. Tehran: University of Tehran Press; 1962. Vol.5 p.416. [Arabic]
45. Tabarsi M. Majma Albaian. Qom: Dar Alfekr; 1995. Vol.1 p.75. [Arabic]